

جزر و مد سیاست و اقتصاد

در امپراطوری صفویه

-۹-

ارزش پول برای اینکه به میزان ارزش پول در برابر کالای عمومی آن روزگار واقف شویم بد نیست به يك آمار از شاردن توجه نماییم، این معاملات در قهوه خانه بین راه صورت گرفته و طبعاً بهای اجناس کمی بیش از حد معمول و متعارف باید حساب شده باشد. او گوید:

در سال ۱۶۶۹ م. (۱۰۸۰ هـ.) برای نوکران من در مهابادخانه يك لیور (نیم کیلو) جو را به يك دینار ونیم، نان چهار دینار، گوشت گوسفند خوب يك شاهی، جوجه دوشاهی و ۶ دینار و ماکیان درشت را ۴ شاهی حساب کردند^۱.

حدود سال ۱۰۲۸ (دوران شاه عباس اول) هشت هزار خروار غله در سیستان به هزار تومان خریداری شده است^۲. قبل از شاه طهماسب^۳ شخصی از ولایت اسفهان چند خروار اجناس از برنج و گندم به قصبه نطنز آورده به تسعیر معمول آن زمان برنج يك من به وزن تبریز به ۸۰ دینار تبریزی، و گندم يك من به وزن مذکور به ۴۰ دینار میفروخت و خلاق به رغبت خاطر می خریدند. «شاه اسماعیل دوم» به اراده خود، گندم يك من به ۲۰ دینار و برنج به ۴۰ دینار مقرر کرد^۴.

البته قیمتها در دورانهای مختلف نوسان داشته، چنانکه حوالی ۱۰۱۴ ملك شاه حسین سیستانی گوید «دو هزار خروار غله به قیمت خروار ۵۰۰ دینار از وکلای گنجعلی خان که حاکم يك سال قبل ازین واقعه بود خریداری نمودم، آن غله بعد از سه ماه خرواری سه هزار دینار شد»^۴ و چندی قبل از حکومت شاه عباس «تسعیر يك خروار غله در قهستان به سنگ آنجا به يك تومان رسیده بود، و يك خروار سیستان دو خروار قهستان است»^۵ و در قحطی هرات اوایل دوره صفوی «اگر نادراً خرواری گندم از ولایتی به هرات آوردندی، اغنیاء به شش هزار دینار تبریزی می خریدند»^۶.

منع صدور ارز از کارهای مهم و جالب شاه عباس این بود که «دستور داد زر نقد از ایران بیرون نرود، و بجای زیارت حج، به زیارت قبور ائمه (ع) و سایر مقابر بروند، و هر کس آرزوی کعبه داشت می بایست مبلغی خطیری به پادشاه پیشکش کند»^۷. با این مراتب، شاه عباس از جهت تحکیم بهای ارز و حفظ آن بزرگترین قدم را

- ۱ - سفرنامه شاردن ج ۴ ص ۴۰
- ۲ - احیاء الملوك ص ۴۴۱
- ۳ - نقاوة الانار نسخه خطی تصحیح آقای اشراقی
- ۴ - احیاء الملوك ص ۴۹۰
- ۵ - ایضاً ص ۲۲۷
- ۶ - حبیب السیر ج ۴ ص ۵۵۲
- ۷ - منتظم ناصری ج ۲ ص ۲۴۱

برداشته است ، قدمی که جز در دوره رضا شاه پهلوی ، هیچ دوره ای از دوره های تاریخی ایران هرگز به صورتی جدی برداشته نشده بود .

شاردن گوید ، بیشتر درآمد زر گرباشی ، مالیات طلا و نقره ای است که از کشور خارج می کنند و او متصدی این مالیات است که ۵ درصد از قیمت زر و سیم گرفته میشود ۱ .

دستور شاه عباس در مورد منع خروج طلا از کشور ، کم و بیش تا پایان دوره صفوی مورد اجرا قرار میگرفته است ، لطفعلی خان اعتمادالدوله شاه سلطان حسین در محاکمه خود وقتی میخواهد از فساد اوضاع شکوه کند ، این مطلب را چنین به زبان می آورد :

« دشمنان من که بیش از من دخل داشته مداخل خود را ذخیره نکرده و در داخله مملکت نگاه نداشتند ، بآنکه به دستور العمل شاه عباس بزرگ بک دینار زر مسکوک نباید از داخله به خارج رود ، هر سال چند قطار شتر زر و سیم به اسم نذورات به مکه و مدینه میرود » ۲ .

گمان بنده اینست که با مقدماتی که گفته شد ، کیفیت رشد و شکفتگی اقتصادی ایران در دوران صفوی بیان گردید و در واقع تا اینجا هر چه صحبت بود از دوران طلائی و عصر زرین صفوی بود از طرف کسی که نه اهل زر و سیم است و نه مرد اقتصاد ، آن هم در حضور مردم اصفهان که کیمیاگران روزگارند .

بنده ، امشب ، در ساحل زربینه رود ۳ صحبت از اقتصاد و ثروت و پول و زر و سیم کردم ، و حال آنکه می دانم اطلاعات خود مردم اصفهان در خصوص دوران صفوی بسیار بیش از من و گرانیهاتر از زرکانی است و هدیه من به پیشگاه وارثان ثروت و ذوق و هنر صفویه ، در حکم زیره به کرمان آوردن است و زر به کان بردن :

هدیه بلقیس چل استر بدست	بار آنها جمله خشت زر بدست
چون به صحرای سلیمانی رسید	فرش آن را جمله زر پخته دید
بر سر زر تا چهل منزل براند	تا که زر را در نظر آبی نماید
عرصه ای کش خاک زر دهنده ای است	زر به هدیه بردن آنجا ابلهی است

اکنون بی مناسبت نیست ، کم و بیش تأثیر عامل اقتصادی را در شئون اجتماعی و سیاسی امپراطوری نیز بیان کنیم .

خزائن طلا و نقره خزانه پادشاهان صفوی ، کم کم مملو از ذخائر مالیاتی اکناف مملکتی شد که از رود جیحون تا قندهار و از بصره تا گرجستان چهار ضلع آن امتداد داشت و آرامش نسبی سرحدات و عدم احتیاج به استفاده از قوای انتظامی ، روز بروز میزان ذخیره خزانه را بالا برد و مصرف این درآمدها به صورتهای غیر عادی که نتیجه ای جز تورم اقتصادی نداشت صورت گرفت .

شاردن گوید : خزانه شاه یک گودال بی انتهای واقعی است زیرا همه چیز در آن ناپدید میشود و مقدار اندکی از آن خارج می شود ، مگر در مورد هدایائی که شاه فی المجلس می بخشد ، اما بسیار نادر است که برای امر دیگری چیزی از خزانه خارج شود ۴ .

۱ - شاردن ج ۸ ص ۲۴۹ . ۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۵۱۷ .

۳ - زاینده رود در کتابهای قدیم زربینه رود نوشته اند . رجوع شود به ترجمه صوره الارض ص ۱۰۷ و جهان نامه ص ۵۲ و سرزمین های خلافت شرقی ترجمه عرفان ص ۲۲۳ .

۴ - شاردن ج ۸ ص ۳۰۷ .

عدم تعادل درآمدها و تقسیم نامناسب ثروت و اندوخته شدن اموال و املاک بیشمار در نزد رجال و روحانیان و لشکریان ، شکافی عمیق در بین طبقات مختلف مملکت پیش آورد . پول و ثروتی که در اوایل دوران صفویه تا کمی بعد از شاه عباس ، صرف جنگهای خارجی و یا ایجاد سدها و پل ها و انجام کارهای عمرانی می شد ، کم کم متعلق به خانواده های معدودی گشت یا صرف خرید جواهرات و اشیاء گرانبها شد و تجمل و شکوه جای شدت و خشونت را گرفت ، چنانکه شاردن گوید : در دوره شاه عباس کبیر سر بازان حواله های بهتری داشتند ، ولی اینک سالهاست که دولت به آنان نیازی ندارد که حقوق خوب به آنان داده شود ... من بسیاری از درجه داران و کارکنان شاه را دیده ام که دو سال حقوق طلب داشتند .

در برابر این اوضاع ، تجملات و تمینات ، بیش از حد ثروت و اقتصاد را به خود اختصاص داده بود ، چنانکه شاردن که خود یک دلال جواهرات و تاجر بوده است در مورد یک معامله خود با دربار گوید : در ۱۰۷۷ ، شاه عباس (ثانی) دستور داد ۵۰ هزار اکو بهای جواهراتی که به او فروخته بودم به من نقد بپردازند . هر کس وجهی از خزانه دریافت میداشت قاعدتاً می بایست ده درصد آنرا به عنوان مالیات بپردازد مگر اینکه شاه او را ببخشد ... در خزانه شاه یاقوتی به اندازه نصف تخم مرغ بود که زیباترین و خوش رنگ ترین گوهری بود که من دیده بودم . در بالای آن نام شیخ صفی را حک کرده بودند . بعضی مرواریدها ده دوازده قیراط وزن داشت ، الماس های ۵۰ تاصد قیراطی فراوان بود ، اما مقدار طلا و نقره را اصولاً نمی توان تعیین کرد . ۲

تجمل و تعین
مخارج مطبخ و جامه دارخانه کوچک شاهی تا حدود سه میلیون بالغ میگردد و هزینه کارگاهها و تالارهای هنری به چهار میلیون ، هزینه منزل و خانه ها ۱۰ میلیون ، هزینه افسراد قشون ۱۳ میلیون ، حرمسرای شاهی ۴ میلیون ، و این مثل را ایرانیان میگویند که شاه روزی هزار تومان خرج میکند و روزی هزار و دوپست تومان درآمد دارد . شاردن پس از بازدید از یک خزانه گوید : تنها در یک اتاق که پرده کنار رفت ، در کنار دیوار تا سقف پراز کیسه های پول بود ، و من با محاسبه احتمالی حجم آن ها حدس زدم که جمعاً سه هزار کیسه میشد و هر کدام محتوی ۵۰ تومان ، و بمن گفتند که همه جا دیوار ها به همین نحو مستور است ، وسعت خزانه چهل گام مربع است و آقا کافور خزانه دار آن است . چندین خزانه و صندوق هم هست که کلیدش بدست آقا کافور نیست و لاک و مهر شده و کلید آن بگردن خود شاه آویخته است . ۴ و باز در جای دیگر گوید : شاه به تنهایی به اندازه تمام افراد کشور خود درآمد دارد ، و این درآمداً طریق مصادره روز بروز افزایش می یابد . ۵ شاهان و شاهزادگان صفوی که نشان را بر پشت اسب می خوردند و در بیابانهای بی آب و علف در تعقیب ازبکان و ترکان می دویدند کم کم تبدیل به پادشاهانی شدند که در حضور آنان نوعی چینی سبز وجود داشت که هر قطعه آن پانصد اکومی ارزید و در روایات بود که این بشقاب چینی - با تغییر رنگ - سم را نمایان می سازد ، قیمت ظروف طلای غذاخوری شاه را در حوالی ۱۰۷۷ به ۳۲ تا ۵۰ میلیون بالغ می دانستند و

۱ - شاردن ج ۸ ص ۳۰۵ . ۲ - شاردن ج ۸ ص ۳۰۷ و ۳۰۹ .
۳ - شاردن ج ۸ ص ۳۶۳ . ۴ - ایضاً ج ۸ ص ۳۱۰ . ۵ - ایضاً ج ۸ ص ۲۹۴

شاردن خود گوید من يك تکه بشقاب را با پرداخت ۱۲ هزار فرانك از خواهر شاه فقید (عمه شاه سلیمان) بدست آوردم . ۱. در جای دیگر توضیح میدهد که ظروف آبدارخانه همه زرین و جواهر نشان بود . و آبدارباشی اظهار می داشت که چهار هزار قطعه ظروف و آلات خوان زرین جواهر نشان وجود دارد . ۲. و قیمت آنها را بیش از يك میلیون می نویسد . ۳. جواهرات خواهر شاه عباس ثانی (عمه شاه سلیمان که همسر مجتهد اعظم بود) چهل هزار تومان آن روز قیمت داشته و این زن تنها يك سینی طلا باشاردن معامله کرده که ششصد اونس وزن داشته است . ۴.

در زمان شاه عباس دوم کسانی بودند که سالیانه بیست و پنج تا سی هزار لیور عایدی سالیانه داشتند . ۵. میرزاضی کور که از بستگان شاه بود ، مشغولیت خود را به جمع آوری کلکسیون ساعت اختصاصی داده بود ، او در سال بیش از ۵۰ هزار اکو درآمد داشت ، کاخ مخصوص او دارای سقفهای خاتم کاری بود که در آن عاج و جویهای سخت خوشبوی و گرانیهایی بکار رفته و بایشم و مرمر سفید بهم آمیخته بود . ۶. نحوه تقسیم ثروت و درآمد عمومی بر مبنای اساسی نبوده است و با موقعیت های استثنائی که برای اشخاص فراهم می آمده ثروتمند شدن یا گداسدن ناگهانی امری اجتناب ناپذیر می بوده است . شاردن گوید در اصفهان چادر دوزی را دیدیم که روزانه هر چادری را به دو پول اجاره می داد و کم کم بیش از هزار هزار (يك میلیون) سود بدست آورد و هم اوست که حمام چادر دوز را ساخته است . ۷.

جشن عروسی پسر بزرگ خوانسالار شاه سلیمان با دختر دیوان بیگی ۱۴ روز ادامه پیدا کرده و چهارصد هزار لیبره خرج برداشته بوده است . ۸.
تخت شاه يك پارچه مکلل بود ، جواهرات تن شاه به چند میلیون میرسید ، کلاه امراء و بزرگان آراسته به جقه و پر کلنگ و مکلل به جواهرات بود که برخی از آنها دوسه میلیون فرانك ارزش داشت . ۹.

آفتابه لکن شاه سلیمان از طلاي يك پارچه مینا کاری بود و صراحی شراب او از طلاي مینا کاری و مرصع ، ۱۰. ولی البته با قدحی که شاه اسماعیل اول از آن شراب خورد بسیار تفاوت داشت . ۱۱.

تنها در سال ۱۶۶۶ م (۱۰۷۷ ق) برای صرف میخانه شاه فقط پنجاه هزار من کهنه انگور شراب انداختند ، يك من کهنه معادل است با ۹ لیور و شانزده اونس وزن فرانسه . ۱۲.

۱ - شاردن ج ۸ ص ۳۴۷ و ۳۴۸ ۲ - ایضاً ج ۳ ص ۲۹۰ ۳ - ایضاً ج ۳ ص ۱۹۸
۴ - ایضاً ج ۳ ص ۲۹۱ ۵ - شاردن ج ۸ ص ۴۱۸ ۶ - ایضاً ج ۸ ص ۲۱ تا ۲۴
۷ - ایضاً ج ۸ ص ۳۵ ۸ - شاردن ج ۳ ص ۱۹۸ ۹ - ایضاً ج ۸ ص ۳۴۱
۱۰ - شاردن ج ۸ ص ۳۴۴ ۱۱ - شاه اسماعیل اول پس از تسلط بر شیبک خان از يك فرمان داد استخوان کله اش را در طلا گرفتند و از آن قدحی ساختند و در آن به شراب خواری پرداخت ، یکی از شاعران درین باره گفت :

کاسه سر شد قدح از گردش دوران مرا

دارد این چرخ خراب آباد سرگردان مرا

(زندگانی شاه عباس اول ج ۱ ص ۱۵۸)

مقایسه حکام و امرای زمان شاه عباس اول (که بعضی مثل ائوردیخان و پسرش و گنجعلی خان و پسرش حدود سی سال در یک محل حکومت داشتند) با زمان شاه عباس دوم که پی در پی به تعویض آنها می پرداخت ، عدم ثبات اوضاع و فساد و رشوه خواری را تسجیل میکند، خلع علیقلیخان سپهسالار و حبس اودرالموت و خلع پسر برادر او بیجن خان از تبریز و برادرش عیسی سردار خراسان و میرابدار السلطنه اصفهان و توقیف او در قلعه کلات ۱ ، تبعید محمد بیگ اعتمادالدوله شاه عباس ثانی به قم بشرط اینکه نه سر بفرشد و نه حمام برود و نه با کسی معاشرت نماید ۲ ، معزول شدن قورخمس خان بیگلربیگی مرو و محمد علی بیگ جبه دارباشی ۳ ، تغییر داروغه اصفهان و کور کردن اغورلویک دیوان بیگی ۴ معزول شدن حیدر بیگ ایشک آقاسی ، قتل میرفتحاح ، قتل میرزاتقی اعتمادالدوله وجانی خان ، طغیان علیقلی خان ، تغییر گنجعلی خان حاکم ارومی ، تغییر میرقاسم بیگ داروغه اصفهان ، عزل محمدقلی خان بیگلربیگی ایروان ، عزل میرزاهادی وزیر فارس ، تغییر سیحانقلی خان سردار خراسان ، تغییر شاهوردی سلطان حاکم دورق ، حبس نظر علی خان حاکم اردبیل و سختگیریهای دیگر ، هیچکدام نتیجه مطلوب را حاصل نکرد ، زیرا وضع چنان بود که شاه عباس دوم به تجمل و تعین علاقه داشت و طبعا امراء و فرماندهان نیز به مصداق الناس علی دین ملوکهم ، هرگز دست از رفتار خود برنداشتند . شاه عباس دوم مردی شکار دوست و عشرت طلب بود ، چنانکه در یک شکار جرگه او «مقرر شد که عمال مازندان و گیلانان و هزار جریب و استراباد هر یک چند ذرع از ریسمان کنب که رسد به هر یک رسیده بود در موعدهی معین به اتمام رسانیده نقل میان کاله نمایند و... ستون که طول آن چهار ذرع بوده باشد قطع کرده آماده سازند... دامها بر سر پا و جمعیت اهل جرگه مهیا شد ، اهل جرگه دایره ای که قطر آن چهار پنج فرسخ تواند بود بسته ، صدای کوس و نفیر و افغان به اوج آسمان رسانیدند . ۵ و این کارها در همان روزگاری صورت میگرفت که قندهار به کام هندوستان فرومیرفت .

این شکارها اغلب با حضور «مخدرات سراپردۀ عصمت» صورت میگرفت . ۶ و تنها در یک جلسه شکار ۱۴ هزار حیوان صید شده بوده است ۷ . باغ طاوس شاه در کنار زاینده رود ۸ از باغهای پرخرج بود و کار به جایی رسید که «قلاده مرصع و زنجیر طلا جهت شیران اژدها - کردار» تهیه کردند و «پیکر ایشان را به جهت امتیاز به جلهای زربفت آرایش دادند ، ۹ اثاث البیت باغ هشت بهشت بسیار با شکوه بود و شاردن اطاقی درین باغ دیده است که تنها لحاف آن دوهزار اکو ارزش داشت و از پوست سمور تهیه شده بود ، تشک هایی نیز از پوست سمور داشته است . ۱۰ شاه سلیمان طالار هشت بهشت را به ۵۰ هزار اکو تمام کرده بود و این غیر از اثاث البیت آنست . ۱۱

تفاوت دو تاجگذاری در جشن تاجگذاری شاه سلیمان ، شاردن ، بهای تاج و شمشیر و خنجر مرصع را بیش از صد هزار تومان (۵ میلیون لیور) تقویم کرده است . در یکی از جقه های شاه ، فقط الماس آن را ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار لیور قیمت کرده اند . ۱۲

- | | | |
|----------------------|---------------------|----------------------|
| ۱ - عباسنامه ص ۱۷۵ | ۲ - سفرنامه تاورنیه | ۳ - عباسنامه ص ۲۳۹ |
| ۴ - عباسنامه ص ۲۲۱ | ۵ - عباسنامه ص ۲۷۸ | ۶ - ایضاً ص ۲۶۸ |
| ۷ - شاردن ج ۴ ص ۱۳۷ | ۸ - عباسنامه ص ۲۵۰ | ۹ - عباسنامه ص ۱۵۶ |
| ۱۰ - شاردن ج ۷ ص ۳۲۸ | ۱۱ - ایضاً ص ۳۳۰ | ۱۲ - شاردن ج ۹ ص ۱۰۲ |

تشکجه های کاخ همه زربفت ، چراغدانها همه از طلا و هر کدام معادل ۴/۵ من ، شمعدانها بلندتر و سنگین تر از چراغدانها ، تخت که تماماً از طلا و آراسته به یاقوت و زمرد بود ، دوتن به سختی می توانستند آنرا حمل کنند .

تفاوتی که در تاجگذاری شاه سلیمان با شاه اسماعیل اول با چشم عبرت می توان دید اینست که شاه اسماعیل پس از فتح هرات در صیباح نوروز سلطانی ، آن مهر سپهر کشورستانی بر باره اقبال و کامرانی بر آمده ، از باغ جهان آرا به طوی خانه تشریف برد و بر تختی که در منزل مذکور - به اشارت همایون - ساخته شده بود نشسته ، و کلاء عبثه علیه و حکام ولایات و ممالک محروسه و امراء و نویان و خواص و مهربان و وزراء و صدور و جمهور بزرگان نزدیک و دور هر یک در مقام خویش ایستادند . ۱

اما وقتی صفی میرزا (شاه سلیمان دوم) را برای نشان دادن بر تخت سلطنت می بردند ، مادرش فریاد میزد : آه فرزندم می خواهند ترا بکشند ، زنها به بچه چسبیده از حرکت او جلوگیری میکردند . شاهزاده می لرزید ، و مادر از وحشت به زنها تکیه داده بود و تادم در پسر را همراهی کرد . ۲

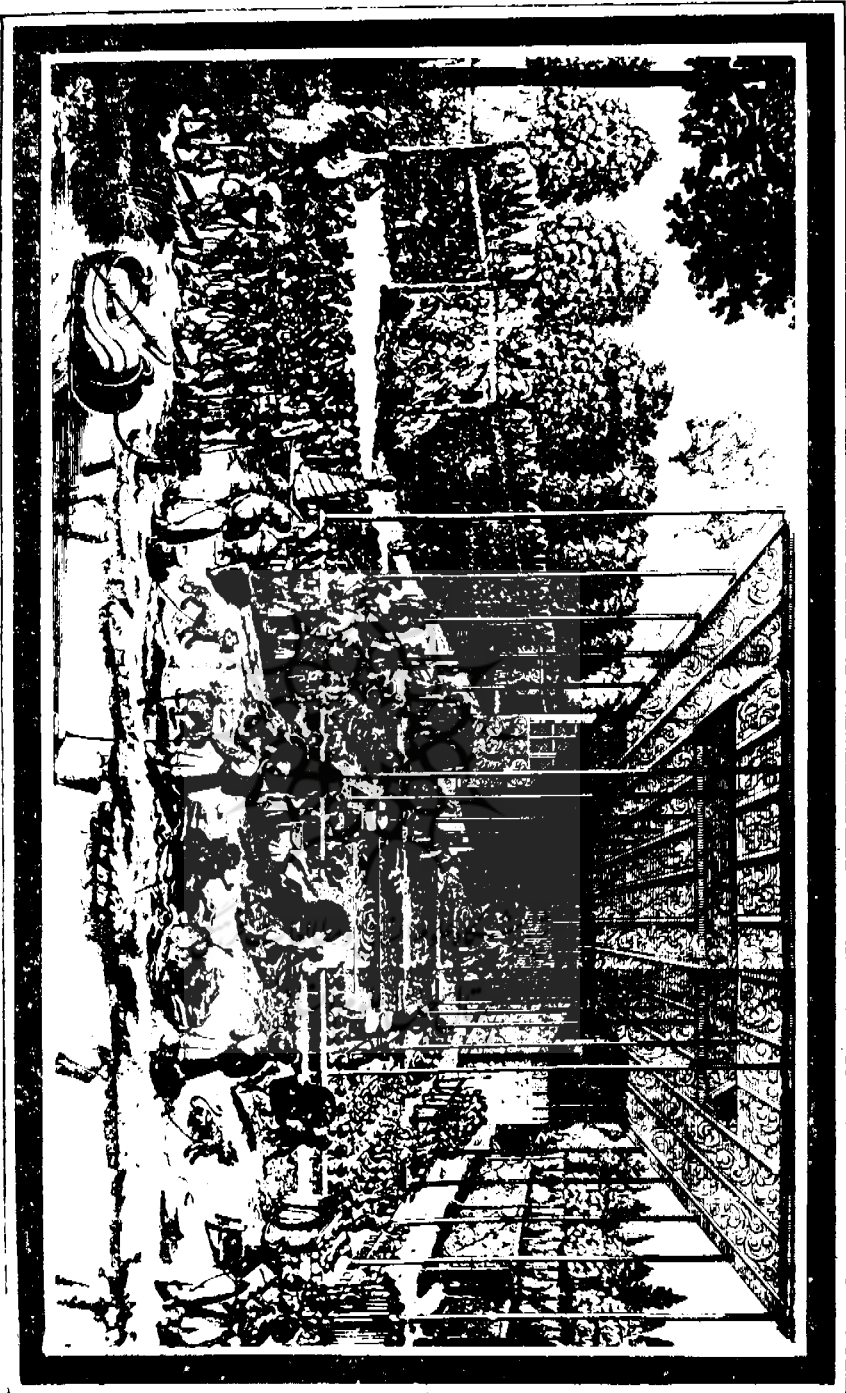
مطمئناً تختی که شاه اسماعیل در هرات بدان تکیه زد ، از طلا نبود ، زیرا فرصت و بودجه ساختن چنین تختی در آن چند روز که از جنگ از بکها بازمی گشتند نبود ، اما مسلم است که پایه های تخت طلائی شاه سلیمان از پایه های تخت عادی شاه اسماعیل لرزان تر بوده است . در خزانه شاه (در طبرک) فیروزه را به شکل خرمن روی هم می انباشتند ، کیسه های چرمی زر هر یک ۴۵ تا ۵۰ لیور (هر لیور حدود نیم کیلو) وزن داشت . بیشتر ظروف حتی سطلها و دیگها زرین بود ، ظروفی که یک نفر به زحمت می توانست آنرا بلند کند . تفنگ شاه جواهر نشان و کمان و تیر های او بادو ترکش غرق جواهر بود . در مهمانیهای شاه ، زیر درختان باغ ، همیشه ۱۲ اسب شکیل برای تجمل بسته بود ، افسار این اسبها ابریشمی بود ، کلیه یراق آن طلائی و حتی آخور آن از طلای ناب بود . سطل و چکش و میخ طویل و قشور و زره اسب نیز طلائی و طلا نشان بود . ۳

رقابت امراء و صدور به جای اینکه در پیش برد مقاصد ملی و بهبود وضع اجتماعی خلق بوده باشد ، تبدیل به هم چسبی در ایجاد کاخها و باغهای بزرگ و انداختن ثروت از راههای غیر مشروع شد و کم کم کاخهایی مثل سعادت آباد ساخته شد که بیش از یک فرسنگ محیط آن بود ، و تنها حوض آب آن یک چهارم فرسنگ طول داشت و لبه هایش از مرمر و یشم بود . ۴ این آبادی قبلاً متعلق به زردشتیان بود ، در ۱۰۷۰ گبران اصفهان را از گبر آباد بیرون کردند و آنجا را به نام سعادت آباد آباد کرده (به زردشتیان) زمینی در جنب جولادادند ، ۵ به قول شاردن ، زمین و یراق اسبان اشخاص متمکن جواهر نشان و زرین خوسیمین بود . در حرم عطریات سیل وار به مصرف می رسید ، بانوان چون در دریای ناز و نعمت و تجمل و تفتن بی حد و حساب پرورش یافته بودند ، سراپای وجودشان وقف اطوار تصنی و فتنونی میشد که مقدمات لذت و شهوت را فراهم آورند ، بدون اینکه به مخارج این وسایل وقعی نهند . ۶

۱ - حبیب السیر ج ۴ ص ۵۱۸ ۲ - شاردن ج ۹ ص ۸۶ ۳ - شاردن

ج ۸ ص ۳۳۸ و ۳۴۹ ۴ - شاردن ج ۸ ص ۷۹ ۵ - عباسنامه ص ۲۷۰

۶ - شاردن ج ۴ ص ۱۳۱



Sicht von J. W. Brandheger: Fast am Hole des Saab Suramun in Isfahan aus Anon.
 satin - coll. - am von Engelhart Kemmerer. Lemgo 1772

ضیافتی در دربار شاه سلیمان صفوی در اصفهان
 (استفاده از سفرنامه کمپفر)

ترجمه و تصحیح: دکتر سید علی حسینی
 انتشارات: انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۲

قلمدان صدراعظم مرصع و به طول هفت بندانگشت و عرض ۱٫۱ بند بود که آنرا به پسرشال خود می‌بست . ۱ طالار پذیرائی صدر خاصه - شوهر خواهر شاه عباس ثانی - ۸۰ پا طول داشته و سقف آن از خاتم بوده . ۲ طارمی های طالار هشت بهشت از چوب زرنگار ، اشکوب پائین از سنگ یشم ، چارچوب ها نقره ای ، و در دیوار مزین به زرولاجورد بود . ۳ سقف کاخ يك جواهر فروش اصفهانی بنام پورعزیزالله خاتم کاری و از چوبهای معطر با سنگهای نفیس و نایاب بود . حوضها از سنگ مرمر و سنگ سماق ، قالیها بیشتر از ابریشم ، مخدهها و بالمشاهمه زربفت و سیم بافت ، تخت خوابها زرکوب و ساخت هند ، تشك و لحاف زربفت ، چادرها با طناب ابریشمین بود ، می گفتند که این پورعزیزالله دو هزارهزار لیور جواهر دارد ، تنها يك بار ، شاه او را تحت فشار گذاشت و سه قطعه جواهر از او گرفت که ۵۰ هزار لیور می‌آزید . ۴ درهای کاخ میرمعصوم دو انداز وزیر از سنگ طلق يك پارچه به بلندی دو و پهنای شش پا ساخته شده بود . ۵ و شمعهای معطر مومی آغشته با روغن دارچین و میخک و دیگر مواد عطری شبهای تاریک این قصرها را چون روز روشن می‌ساخت . ۶

هنوز در اصفهان خانه‌های قدیمی عصر صفوی هست که متعلق به اشخاص عادی بود ولی دارای اطاقهای گچ‌بری زیبا و بخاریهای طلاکاری و سقف‌های مقرنس و زرنگار و شبکه سازیها و تراشها میباشد ... و این مطلب هر چند دلیل بر بالا بودن سطح اقتصاد و درآمد عمومی است ، اما حاکی از تجمل دوستی نیز هست . تا همین چند سال پیش در کوی جلفا مقابل مسجد حاجی محمدجعفر ، خانه‌ای وجود داشت که ظاهراً منزل نعلبندباشی زمان صفوی بود و درطاقچه های بلند یکی از اطاقهای نقاشیهای بی‌مانند و تحریرهای قلمی زیبایی بر روی پارچه های مخصوص بچشم میخورد که خود موزه نفیسی تشکیل میداد . ۷

این تصویرها متعلق به میرفندرسکی ، شیخ عطار ، با یزید بسطامی ، ابراهیم ادهم ، جلال‌الدین رومی ، شمس تبریزی ، شاه‌نعمه‌الله‌ولی ، شیخ بهائی ، شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود و همه يك مترونی طول و نزدیک يك متر عرض داشت و نقاشی رجبعلی نام آنها را رقم کرده بود . ۸ مسأله اینست که وقتی نعلبندباشی پادشاه - که از نمونه تصویرها معلوم میشود آدم‌درویشی هم بوده است - کارش بدانجا برسد که چنین خانه‌ای با اولاد خود ارث بگذارد و اصولاً چنین دم‌دستگاهی داشته باشد ، رشد عمومی اقتصادی را خوب میتواند حدس زد . منتهی باید توجه داشت نعلبندی که می‌بایستی معمولاً در جنگها و سفرهای نظامی باشد و چارپایان لشکر را نعلبندی و سررسی کند ، وقتی کارش بدانجا برسد که بتواند سالها بالای سرعمله و بنا و نقاش بایستد و اطاق خواب را رنگ و جلاد دهد ، از دوحال خارج نیست : - یا اینکه دیگر خبری از آن جنگها و فتوحات و پیشرفتهای درخشان نظامی نیست و شمشیرها زنگ خورده و در غلاف مانده است .

- یا اینکه دم و دستگاه جناب نعلبند آنقدر توسعه پیدا کرده که بجای او شاگردان و خدمه و کارمندان بکار میبرازند و بهر دو صورت نتیجه یکی است : میل به رفله و آسایش و تجمل دوستی و اسراف و بالاخره عدم توزیع عادلانه ثروت و عدم استفاده مناسب از ثروت و اقتصاد عمومی و اینها همه از عوامل مهم سقوط يك جامعه بحساب می‌آیند .

- ۱ - شاردن ج ۸ ص ۲۳۳ ۲ - شاردن ج ۷ ص ۳۲۱ ۳ - شاردن ج ۷ ص ۳۷۷
 ۴ - شاردن ج ۸ ص ۴۸ و ۵۲ ۵ - ایضاً ج ۸ ص ۵۳ ۶ - شاردن ج ۴ ص ۲۲۷
 ۷ - گنجینه آثار ملی ، ص ۱۴۸ ۸ - سعید نفیسی ، احوال شیخ بهائی ص ۶۶